

هر تعزیه‌نامه کامل را یک «مجلس» یا «دستگاه» می‌گفتند. به اشخاص بازی «شبییه» می‌گفتند و بین شبیه‌های، آن‌ها که حرف داشتند «تسخه‌خوان» نام داشتند و آن‌ها که حرف نداشتند، «نقش» یا «سیاهی لشکر». بر صفحه‌ای از هر تعزیه‌نامه فهرست نسخه‌خوانان و نیز اسباب مجلس «لوازم صحنه» نوشته می‌شد. خود متن را به صورت تقسیم نقش مجزای نوشتند؛ یعنی، نقش هر کس بر بیاضی، و متن فهرستی داشت که تعیین‌کننده ترتیب و توالی محاوره‌ای بود.

دوره رونق تعزیه در ایران

در صفحه ۲۵ کتاب، ادبیات فارسی سال اول دبیرستان، درس میر علم‌دار می‌خوانیم «تعزیه از قرون اول و دوم اسلامی، در میان مردم ایران رایج بوده است اما از زمان آل بویه به صورت رسمی، شکل آیین و تشریفات خاصی به خود گرفت و در دوره صفویه به رونق و جلال آن افزوده شد.» آقای غلامرضا گلی زواره در مجله «دیدار آشنا» نقد تندی درباره مطلب بالا نوشته است. وی تصریح کرده است که اوج رونق و جلال تعزیه مربوط به دوره قاجاریه بوده است نه دوره صفویه. وی در این مقاله گفته است: «در میان مدارک موجود پیرامون تعزیه - که بدان اشاره خواهیم کرد - هیچ مدرکی تأیید نمی‌کند که حتی عزاداری معمولی هم در قرن اول و دوم هجری در ایران رایج باشد؛ چه رسد به تعزیه. با روی کار آمدن آل بویه، بنابر نوشته ذهبی و برخی مورخان دیگر، توسط احمد معزالدوله دیلمی، عزاداری رسمی در بغداد متداول شد. وزیران شیعه، چون ابن عمید و صاحب بن عباد نیز در ترویج این سوگواری‌ها و اقامه عزا برای شهیدان کربلا کوشیدند ولی منابع مهم‌تر، هیچ‌گونه اشاره‌ای به رواج تعزیه‌خوانی در این عصر ندارند. در هنگام اقتدار صفویان، عده‌ای به صورت نمایشی لباس‌های رنگارنگ می‌پوشیدند و روی شترها و اسب‌ها می‌نشستند و

چکیده

نگارنده در این مقاله، ضمن تشریح واژه تعزیه در فرهنگ لغت و اصطلاح، به اجمال به بررسی عوامل اجرایی در تعزیه‌نامه‌ها، پیشینه تاریخی «علم‌داری»، ماجرای شهادت عباس (ع)، محور ماجرای تعزیه میر علم‌دار، مقایسه اختلاف نسخه‌ها در بیان تشنگی حضرت سکینه (ع)، بررسی اوزان ابیات و مختصات زبانی و ادبی تعزیه میر علم‌دار پرداخته است.

محمدرضا مبارکی

کارشناس ارشد

زبان و ادب فارسی،

دبیر ادبیات فارسی

دبیرستان‌ها و مدرس

مراکز پیام نور بهشهر

کلید واژه‌ها:

تعزیه، تعزیه‌نامه، میر علم‌دار، سوگواری، آب، تشنگی و عطش، سکینه (ع)، حسین (ع)، عباس (ع)، شمر، ابن سعد.

در کتاب تعزیه در ایران آمده است: «تعزیه در ابتدا با عناوینی چون "مجلس خوانی" بوده و بعد از آن "واقع‌خوانی" نام برده شده و بالاخره "تعزیه‌خوانی" قلمداد گردیده است.» شبیه خوانی یا تعزیه نمایشی در اصل بر پایه قصه‌ها و روایات مربوط به زندگی و مصایب خاندان پیامبر اسلام و خصوصاً فجایی که در محرم سال ۶۱ هجری در کربلا برای حسین (ع) و خاندانش پیش آمد. ولی به‌زودی گسترش یافت و همه جنبه‌های داستان و فرهنگ توده را شامل شد.» (نمایش در ایران: ۱۱۳)



پیشاپیش دسته‌های عزادار حرکت می‌کردند. آن‌ها علم و کتل‌هایی نیز به همراه داشتند. مردم با مشاهده این افراد حوادث عاشورا را در ذهن خویش مرور می‌کردند و متأثر می‌شدند. جهان گردانی چون آنتونیو گووآر اسپانیایی، پیترو دل‌واله ایتالیایی، توماس هربرت انگلیسی، ژان شاردن فرانسوی و پتروس بریک گزارش‌های دقیقی از مراسم محرم در این عصر ارائه کرده‌اند. در اواخر عصر صفویه با رواج روضه‌خوانی، نقالی، فضایل‌خوانی و مناقب‌خوانی، مقدماتی برای اجرای تعزیه در ادوار بعد فراهم آمد اما دو نفر جهان گرد اروپایی که در دوره افشاریه در ایران به سر می‌بردند، از اجرای یک نوع تعزیه بر روی ارباب‌ها در این عصر گزارش داده‌اند.

جالب‌ترین و مستندترین گزارش در این مورد، مشاهدات ویلیام فرانکلین انگلیسی از تعزیه عروسی قاسم و مجلس آب فرات در شیراز است. بنابراین، تعزیه نخستین تجربه‌های خود را در عصر افشاریه و زندیه سپری کرد ولی اوج و گسترش آن مربوط به روی کار آمدن قاجاریه است و این که در درس مذکور ادعا شده است در دوره صفویه بر رونق و جلال تعزیه افزوده شد، با هیچ مدرک و سندی تطبیق نمی‌کند و از واقعیت دور است.

پیشینه تاریخی «علم‌داری»

علمای لغت گویند: پرچم آن است که بر چوب یا نیزه بسته شود و به آن «علم» نیز گویند اما مورخان معتقدند که آن‌ها دو چیزند؛ هم چنان که نقل می‌کنند: رسول اکرم برای حمزه پرچمی سفید، در ماه رمضان سال اول هجرت بر بست و اولین رایتی هم که حضرتش برای مسلمین برپا نمود، در شوال همان سال بود. به پارچه‌ای که بر سر چوب بندند و علامت یک کشور یا بخشی از ارتش است پرچم، بیرق، علم، لوا و درفش گویند. در مصادر تاریخی به طور صریح نگفته‌اند که اولین پرچم‌دار چه کسی بوده است. بعضی کاوه را نخستین پرچم‌دار گفته‌اند و بعضی دیگر به ظن قوی از پیامبر خدا، ابراهیم خلیل، نام برده‌اند و آن زمانی بود که سپاهیان روم به لوط غلبه یافتند و او را اسیر خود کردند. ابراهیم پرچمی برافراشت و به جنگ رومیان رفت و حضرت لوط را آزاد ساخت. بنا به گفته مورخان، حضرت سیدالشهدا در قیام عاشورا پرچم را به دست برادرش ابوالفضل داد و به او فرمود: «نت صاحب لوائی» و این مقام عظیم به او محول شد.

محور ماجرای تعزیه میر علم‌دار

محور تعزیه میر علم‌دار بر این ماجراست که عباس چون به میدان جنگ می‌رود، حسین نیز به دنبالش روان می‌شود تا او را باز یابد و در محاربه، به او یاری کند ولی این دو برادر به نیرنگ دشمنان از هم جدا می‌مانند و یک‌دیگر را پیدا نمی‌کنند.

زمانی که امام حسین به میدان جنگ می‌رود، عباس به خیمه‌گاه باز می‌گردد و چون عباس به میدان می‌رود، حسین به خیمه‌گاه باز می‌گردد؛ شاید که یک‌دیگر را ببینند. نام تعزیه از همین حادثه گرفته شده و اوج فاجعه، زمانی است که این دو یک‌دیگر را می‌یابند.

شهادت عباس (ع)

در بحار است که چون عباس خود را تنها دید، نزد برادر آمد و گفت: «جازه می‌فرمایید؟» حسین سخت گریست و فرمود: «برادر جان، تو علم‌دار منی» و عباس گفت: «دلم تنگ شده و از زندگی سیر شده‌ام و می‌خواهم از این منافقان انتقام خون برادران بگیرم.» حسین فرمود: «آبی برای این کودکان بیاور.» عباس رفت و به لشکر نصیحت کرد و آن‌ها را بر حذر داشت و سودی نبخشید. نزد برادر برگشت و به او

تعزیه میر علم‌دار

از جمله

تعزیه‌نامه‌هایی

است که با

آرایه‌هایی از قبیل

استعاره، تشبیه،

تلمیح، تضمین،

بیراعت استهلال

و به ویژه کنایه

آراسته شده

است.

تعزیه نخستین تجربه‌های خود را در عصر افشاریه و زندیه سپری کرد ولی اوج و گسترش آن مربوط به روی کار آمدن قاجاریه است

منظومه تعزیه میر علمدار با زیبایی عامه فهم و به دور از ابهام و تعقید لفظی و معنوی بیان شده است. بیش تر ابیات این تعزیه از لحاظ زبان و بیان، ساده و روشن و بی تکلف و تا اندازه‌ای در خور فهماند

خبر داد و شنید کودکان فریاد العطش دارند. مشکی برداشت و سوار بر اسب شد و به سوی فرات رفت و چهار هزار از موکلان فرات، دور او را گرفتند و او را تیرباران کردند و بر آن‌ها حمله کرد و هشتاد کس از آن‌ها را کشت و آن‌ها را از هم شکافت تا وارد شریعه شد و خواست شربت آب بنوشد، به یاد تشنگی برادرش حسین و اهل بیتش افتاد. آب را ریخت و مشک را پر آب کرد و به دوش راست انداخت و رو به خیمه‌ها کرد. راه را بر او بستند و گرد او را گرفتند و با آن‌ها جنگید تا نوفل با ضربتی دست راستش را انداخت و او مشک را به دوش چپ گذاشت. نوفل دست چپش را هم از میچ قطع کرد و او مشک را به دندان گرفت. تیر به مشک آب رسید و آبش ریخت و تیر دیگری به سینه او نشست و از اسب به خاک افتاد و فریاد زد: «برادر مرا دریاب.» چون حسین به بالین او آمد، او را به خاک و خون غلتان دید و گریست. بعضی از تاریخ نگاران نوشته اند: آن گاه که امام می خواست بدن ابوالفضل را به خیمه‌ها بیاورد، عباس گفت: «بگذار من در همین جا بمانم. از سکینه تو شرمندهم زیرا به او وعده آب دادم و نتوانستم آب ببرم.» ابی عبدالله الحسین فرمود: «از ناحیه برادرت امام حسین (ع) تو را جزای خیر برسد؛ زیرا تو در حیات و مرگ مرا یاری کردی.»

اختلاف نسخه‌های تعزیه

حضرت عباس

تعزیه حضرت عباس (ع) نسخه‌های متعددی دارد و با وجود مضمون واحد، هر نسخه با برداشت‌های متفاوت ماجرا را بیان کرده است. در نسخه میر علمدار، اولاً گفت‌وگوها کوتاه و غالباً تک مصراع و تکی بیتی یا دو سه بیتی‌اند. دوم این که محاوره‌ها شیوه معقول و مؤدبانه دارند و افراد به هم ناسزا نمی‌گویند. سوم

این که اشعار از لحاظ ادبی ضعیف‌اند. به طور حتم نمی‌توان گفت که نسخه میر علمدار مربوط به دوره قاجاریه است اما ویژگی‌هایی از نسخه‌های دوره قاجاریه در تعزیه میر علمدار مشهود است. در کتاب پژوهش در تعزیه خوانی آمده است: «ما نسخه‌های جدید تعزیه که پس از مشروطه و یکصد سال (اخیر دوره انحطاط و خاموشی تعزیه) ساخته شده‌اند، اگر چه بعضی جنبه نمایشی نسبتاً خوبی دارند، لیکن اشعار آن‌ها غالباً سست و ضعیف‌اند.» ساختمان نمایشی اشعار نسخه‌های قدیم در مقایسه با نسخه‌های دوره ناصری ضعیف است لیکن اشعار و قطعات بسیاری از آن‌ها استوار و زیبا و شیوا هستند. با دگرگونی و تحوّل که از دوره ناصرالدین شاه به بعد در ادبیات تعزیه روی داد- از جمله کوتاه شدن گفتارها و گفت‌وگوها - به جنبه‌های نمایشی و درامی اشعار تعزیه افزوده شد.

بررسی اختلاف نسخه‌ها در بیان تشنگی حضرت سکینه (ع) و درخواست ملتسمانه برای آب از حضرت عباس (ع): ۱. نمونه نسخه از کتاب ادبیات فارسی: ای عم، به فدات جسم زارم من طاقت تشنگی ندارم دست من و دامت، عمو جان خون من و گردنت، عمو جان بنگر که حزین و دل کبابم بی تاب ز بهر قطره آیم رحمی به صغیری من زار غیر از تو نبد مرا پرستار

۲. نمونه نسخه از کتاب «تعزیه در خور»: عمو العطش، العطش، العطش ز سوز عطش جمله کردیم غش عمو اصغر از تشنگی گشته مدهوش مکن جان عمو ما را فراموش عمو اصغر از تشنگی گشته بی تاب در این دشت باشد مگر آب نایاب عمو العطش، العطش، العطش

ز سوز عطش جمله کردیم غش ۳. نمونه نسخه از کتاب ققنوس: عمو جان - عمو جان از عطش مرغ دلم شده تپان عمو جان - عمو جان ای علمدار حسین - عمو - عمو ای سپهدار حسین - عمو - عمو رنگم از تاب عطش بین شده زرد عمو جان - عمو جان هیچ کس رحم به طفلم نکرد ما که طفلیم و فکار - عمو عمو بهر ما آب بیار - عمو عمو

۴. نمونه نسخه دیگر از کتاب ققنوس: ای عمو، ای عمو، تو سقای ما یتیمان ای میر ای میر جمله بنی هاشمیان از تشنگی پریشانیم ما - پریشانیم ما کبابیم از عطش عمو جان نمودیم ضعف و غش عمو جان نگر گشتیم پژمرده چون غنچه در گلستان وای

۵. نمونه نسخ از کتاب مدایح و مراثی حضرت ابوالفضل در شعر فارسی: جان عمو! برای حرم فکر آب کن رفع عطش ز عترت ختمی مآب کن سقای تشنگان حریم خدا تویی از بهر تشنگان حرم، فکر آب کن ای یادگار فاتح خیبر! عنایتی راه شریعه بسته بود فتح باب کن

۶. نمونه نسخه از کتاب ماه هنر: سکینه

عموی زار مهربان بیار آب این زمان نظر نما به کودکان عمو بیا، عمو بیا عباس: چه با صفایی ای فرات چه پر جفایی ای فرات سکینه منتظر به راه عمو برو، عمو برو



ب: غیر چشم این دم کجا دارم سراغ آب را
 الف: به زعم شمار گره این پر گناه
 ب: بر غم شما گرچه این پر گناه
 الف: نهم پا در رکاب اما ز تنهاییم می گیرند
 یتیمان از یمین، کلثوم و زینب از یسار امروز
 ب: نهم پا در رکاب از تنهاییم می گیرند
 ملائک از یمین کلثوم و زینب از یسار امروز
 الف: مرا از تو برادر جان، به جای دور اندازند
 ب: مرا از تو برادر جان، مخالف دور اندازند
 - الف: نهادید در عالم زر قبول
 - ب: نمودید در عالم زر قبول
 - الف: بیا برادر در خون تهیه را دریاب
 - ب: بیا برادر در خون تهیه را دریاب

مقایسه نسخه تعزیه میر علمدار از کتاب ادبیات فارسی سال اول دبیرستان با نسخه دیگر در کتاب «تعزیه در ایران»:
 پس از مقایسه و بررسی، تنها در برخی از ابیات دو نسخه تفاوت اندکی دیده شد اما این تفاوت در آن اندازه نیست که سبب اختلاف در وزن شود.
 نسخه کتاب سال اول با (الف) و نسخه کتاب تعزیه در ایران با (ب) نشان داده می شود.
 الف: ای عم، به فدات جسم زارم
 ب: عمو به فدایت جسم زارم
 الف: غیر از اشک این دم کجا دارم سراغ آب را





تعزیه میر علم‌دار از لحاظ وزنی
 تعزیه میر علم‌دار دارای محور متعدد است، از ۷۰ قطعه بیت در حدود ۲۷ بیت در بحر هزج (با اندکی اختلاف در زحافات)، ۱۳ بیت در بحر رمل (با اندکی اختلاف در زحافات)، ۱۱ بیت در بحر مجتث (با اندکی اختلاف در زحافات)، ۱۱ بیت در بحر متقارب (با اندکی اختلاف در زحافات)، ۵ بیت در بحر مضارع (با اندکی اختلاف در زحافات) و ۲ بیت در بحر رجز است. از ۱۱ بیت بحر مجتث ۶ بیت، و از ۱۳ بیت بحر رمل ۲ بیت و از ۱۱ بیت بحر متقارب ۲ بیت مربوط به مخالف خوان‌هاست. «گر به نسخه قدیم تعزیه توجه کنید - مثل نسخه‌هایی که محقق روسی به نام «جنگ شهادت» جمع کرده بود - می‌بینید که سه، چهار وزن بیش‌تر ندارد و تنوع اوزان در آن‌ها

بسیار کم، و در نتیجه مکالمات هم بسیار طولانی و خسته‌کننده است.» (همشهری، شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۷)
 «نکته دیگر این که بر خلاف عادت به هنجار، اشعار ادبی کوتاه یا بلند که در آن‌ها از آغاز تا پایان، بحر یک‌سان می‌ماند، تعزیه مزبور، بحر خود را بارها عوض می‌کند و بحور گوناگون را به خدمت می‌گیرد. البته ممکن است این پرسش پیش آید که این تنوع به دلیل گوناگون نیز بر شمردن اوصاف موافق خوانان باید به کار گرفته شود. در حالی که این مناسبت گزینی در اشعار مزبور مشاهده نمی‌شود و اگر در مقایسه آن‌ها دقتی به عمل آید، مشاهده می‌شود که بحور اغلب آن‌ها نوسانات و لغزش‌هایی دارند. (مجله دیدار آشنا، شماره ۶۶)
 در تعزیه میر علم‌دار مکالمات بین



موافق خوان‌ها و مخالف خوان‌ها یا مابین موافق خوان‌ها، بسیار کوتاه است و در اوزان متعدد سروده شده است. در این تعزیه، تنوع آهنگ و وزن در موافق خوان‌هاست. از ۶ وزن، تنها ۳ وزن یعنی بحر مجتث، رمل و متقارب مربوط به مخالف خوان‌هاست و موافق خوان‌ها غیر از سه وزن یاد شده، در بحور دیگر رجز، هزج و مضارع هم شعر دارند. مثال:

گفت‌وگوی سکینه با عمویش:

در وزن هرج
ای عم به فدات جسم زارم
من طلاق تشنگی ندارم
دست من و دامن، عمو جان
خون من و گردنت، عمو جان
(کتاب ص ۲۵)

پاسخ عباس (ع) به سکینه:
در وزن رمل
ای سکینه بردی از جانم قرار و تاب را
غیر اشک این دم کجا دارم سراغ آب را
من ندارم آب جز اشک دو عین
اندرین دشت ای گل باغ حسین
(کتاب ص ۲۶)

عباس (ع) (خطاب به ابن سعد):
در وزن متقارب
ایا ابن سعد شقاوت‌شعار
لوای ستم بر تو شد استوار
چنین گفت فرزند خیر الانام
حسین، آن شهنشا و الامقام
(کتاب ص ۲۶)

ابن سعد (خطاب به عباس):
در وزن مجتث
خطاب من به تو عباس، ای دلیر جهان
برو بگو به حسین، آن امام تشنه لبان
اگر که آب بگیرد تمام روی جهان
نمی‌دهم به شما غیر ناوک بران
(کتاب ص ۲۶)

امام (ع) (خطاب به عباس):
در وزن رمل
غم مخور عباس، ای نور بصر

ای برادر جان، چرایی دیده تر
داد من گیرد خدای عالمین
تو مکش جانا خجالت از حسین
(کتاب ص ۲۷)

عباس (پاسخ به امام): در وزن مجتث
در این تعزیه تنها در یک مورد «بحر متقارب» برای مخالف خوانان به کار رفته است اما برای اولیاخوانان در چند مورد از این وزن استفاده شده است.
مثال برای مخالف خوانان: بحر متقارب
شمر خطاب به ابن سعد:
امیر جهان الحذر، الحذر
ز عباس، شیر ژیان الحذر
فرستاده لشکر که از دست رفت
سپه شد جهان، الحذر، الحذر
(کتاب ص ۳۱)

دو مثال دیگر برای موافق خوانان:
بحر متقارب
ایا ابن سعد شقاوت‌شعار
لوای ستم بر تو شد استوار (ص ۲۶)
ایا فرقه فارغ از ننگ و نام
نهادید بر کفر، اسلام نام (کتاب ص ۴۰)

ویژگی‌های زبانی و ادبی شعر میر علم‌دار

«زبان اشعار تعزیه‌نامه‌ها زبان ادبی و زبان کتابت، که در همه انواع شعر فارسی رایج است، نبوده است. ترکیب کلمات، استعمال واژه‌ها و اصطلاحات مبین زبانی کاملاً عامیانه است و در ارتباط برقرار نمودن با عامه مردم تأثیر بیش‌تری داشته است.»
شعر تعزیه، نشریه قدس ۸۰/۵/۳۱
منظومه تعزیه میر علم‌دار با زبانی عامه‌فهم و به دور از ابهام و تعقید لفظی و معنوی بیان شده است. بیش‌تر ابیات این تعزیه از لحاظ زبان و بیان، ساده و روشن و بی‌تکلف و تا اندازه‌ای در خور فهم‌اند. واژه‌هایی که در آن به کار می‌روند، اغلب ترکیبی از لغات رایج و معمول زبان گفتاری هستند.

مختصات زبانی و ادبی شعر میر علم‌دار

● استعمال لغات و اصطلاحات و تعبیرات عامیانه

مانند: بود لال زبانه
یا رب به برادر به چه سان عرض نمایم
گویم چه به آن شاه، بود لال زبانه
(کتاب ص ۲۷)
مانند: نور دو چشمان
ای میر علم‌دار من و نور دو چشمان
ای قوت بازوی من و بهترم از جان
(کتاب ص ۲۶)

● استعمال لغات و اصطلاحات عربی

وجود لغات و اصطلاحات عربی در تعزیه میر علم‌دار یکی دیگر از ویژگی‌های زبانی آن است. وجود کلمات فراوان عربی از قبیل:
والی الولی، مظهر العجایب، الحذر، خیر الانام، احباب، جبان، مطلع‌نورین، یمین و یسار، ذوالجناح، عین، الامان، عازم، دغا.

● «زبان حال» در تعزیه میر علم‌دار

در تعزیه میر علم‌دار تنها در یک مورد «زبان حال» از ناحیه حضرت عباس (ع) به کار رفته است.
یارب چه کنم؟ من ز خجالت چه بگویم
رفتم به لب آب، بود خشک گلویم
یا رب به برادر به چه سان عرض نمایم
گویم چه به آن شاه؟ بود لال زبانه
وزن این زبان حال مستعفل، مستعفل، مستعفل، مستف (= مفعولن، مفاعیل، مفاعیل، فعولن) هزج مثنی‌ا خرب مکفوف مخدوف است. محتوای آن دو بیت که بیان‌کننده زبان حال حضرت عباس (ع) است، ناشاد است اما وزن به کار رفته برای محتوا شاد است. البته این موضوع یکی از ویژگی‌های زبانی تعزیه‌هاست.

ساختمان
نمایشی اشعار
نسخه‌های
قدیم در مقایسه
با نسخه‌های
دوره ناصری
ضعیف است
لیکن اشعار و
قطعات بسیاری
از آن‌ها استوار
و زیبا و
شیوا هستند.
با درگونی
و تحولی
که از دوره
ناصرالدین
شاه به بعد در
ادبیات تعزیه
روی داده‌اند
جمله کوتاه
شدن گفتارها
و گفت‌وگوها
به جنبه‌های
نمایشی و
درامی اشعار
تعزیه افزوده
شد.

تعزیه
میر علم‌دار
از جمله
تعزیه‌نامه‌هایی
است که با
آرایه‌هایی از
قبیل استعاره،
تشبیه، تلمیح،
تضمین، براجت
استهلال و به
ویژه کنایه
آراسته شده
است.

● کاربرد لغات قالبی و تکراری

بسامد واژه‌های قالبی و تکراری در همه تعزیه‌ها از جمله تعزیه «میر علم‌دار»، فراوان است؛ به علت این که دامنه لغات معمول گرفتاری در تعزیه محدود است، بنابراین تعدادی از واژه‌های قالبی در همه تعزیه‌ها به تکرار آمده است. برای مثال، در نسخه «میر علم‌دار» هم واژه‌هایی از قبیل به فدایت، نور دو چشمان، شقاوت، تشنه لبان، شهادت، پرجفا و کین، خسان، غم‌خوار، ای نور بصر و صغیری تکراری هستند.

● همانندی زبان شبیه خوان‌ها

زبان همه شخصیت‌های این تعزیه نیمه ادبی است و همه شخصیت‌ها در آن همانند قصه‌ها از زبانی یکسان برخوردارند. تنها تفاوت زبانی میان شخصیت‌ها، در آهنگ کلام آن‌هاست. گاهی این تفاوت زبانی پر خاش‌گونه است (مانند «شمر و عمرو»، و گاهی با زبانی نرم یعنی «زبان حال» و گاهی هم حماسی است.

مثال برای «زبان حال»:

یارب چه کنم؟ من ز خجالت چه بگویم
رفتم به لب آب، بود خشک گلویم
(ص ۲۷)

مثال برای زبان پر خاش‌گونه:

اگر که آب بگیرد تمام روی جهان
نمی‌دهم به شما غیر ناوک بران
(ص ۲۷)
مثال برای زبان حماسی:
ایا ابن سعد شقاوت‌شعار
لوی ستم بر تو شد استوار
(ص ۲۶)

● وجود شیوه‌های گفتاری، یعنی، رجز خوانی، مفاخره و مبارزه خوانی (رجز خوانی):

امام: ایا فرقه فارغ از ننگ و نام
عباس: نهادید بر کفر اسلام نام
امام: شما شرک یزدان ولیکن بر رسول
عباس: نهادید در عالم ذر قبول (ص ۳۰)

مفاخره:

امام: من، ای قوم، فرزند پیغمبرم
عباس: حسین است آقا و من نوکرم
امام: ز کشتن جوی نیست پروای من
عباس: شهادت بود ارث آبی من (ص ۳۰)

● وجود گفتار خطابي در لحن شخصیت‌ها

عمر سعد:

خطاب من به شما باد ای گروه جبان
کنید حمله به یکباره بر امام زمان
(ص ۳۱)

شمر خطاب به ابن سعد

امیر جهان: الحذر الحذر
زعباس شیر ژیان الحذر
(ص ۴۱)
ابن سعد:

خطاب من به تو عباس، ای دلیر جهان
برو بگو به حسین آن امام تشنه لبان
(ص ۲۶)

● اقتباس از شاهنامه:

چنان خون بریزم در این دشت کین
که گوید جهان آفرین، آفرین (ص ۳۱)

نخست باید گفت که این سروده در شاهنامه از زبان کسانی بیان می‌شود که قهرمانان افسانه‌ای هستند و اغراق آمیزی از ویژگی‌های آن‌هاست. دیگر این که از زبان امام معصوم، گفتن از خون‌ریزی و کشتار و آفرین‌گویی خداوند بر این قتل‌ها، امر مورد تأملی است و شخصیت‌هایی که قول، عمل و قیام آنان سبب و حجت است، نباید در سخنان و برنامه‌های آنان تحریف شود و به قول استاد شهید مرتضی مطهری، بخشی از این تحریف‌ها ناشی از حس اسطوره‌سازی است.
(مجله دیدار آشنا، بهمن و اسفند ۸۴، ش ۶۶)

● نارسایی قافیه

در اشعار تعزیه‌نامه‌ها فهم عامه مردم ملاک قبول بوده و از این بابت به رعایت دقیق قواعد شعری توجهی نشده است.

مثال ۱:

یارب به برادر به چه سان عرض نمایم
گویم چه به آن شاه بود لال زبانم (ص ۲۷)
«م» در واژگان (نما) و (زبان) جزء حروف اصلی قافیه نیست و از حروف الحاقی قافیه است؛ بنابراین، قافیه کردن «نما» و «زبان» از عیوب قافیه محسوب می‌شود.

مثال ۲:

مگر کنی به جهان بیعت یزید قبول
دهیم آب به طفلان تو در این میدان
(ص ۲۷)
این بیت از قالب مثنوی انتخاب شده است. واژگان قافیه در بیت اول «جهان» و «لبان»، در بیت دوم (جهان... بران)، و در بیت سوم (قبول... میدان) است. واژگان قافیه در بیت اول و دوم صحیح‌اند اما در بیت سوم واژگان قافیه هم از لحاظ حروف اصلی قافیه و هم حرف (روی) با هم متفاوت است.

مثال ۳:

چه تقصیر دارند طفلان من
که در پای آب روان جان دهند (ص ۲۶)
این بیت نیز از قالب مثنوی انتخاب شده است. آخرین واژگان دو مصرع «من» و «دهند» است. حروف اصلی در قافیه در «من»، براساس (مصوت کوتاه + صامت) است و در «دهند»، (مصوت + صامت + صامت) است.

مثال ۴:

اگر به قطره آبی لبش کند سیراب
دگر به جنگ سپه کس نماند از اشار
واژگان قافیه در آخرین حرف؛ یعنی «روی»، با هم اختلاف دارند. (ص ۳۱)

مثال ۵:

امیر جهان الحذر، الحذر
ز عباس، شیر ژیان، الحذر
برس داد لشگر که از دست رفت



● وجود آرایه‌های ادبی

زبان اشعار تعزیه‌نامه‌ها ادبی نبوده است و اکثر شاعران مقید به آوردن آرایه‌های ادبی نبوده‌اند. البته برخی از شاعران تعزیه‌پرداز اشعار تعزیه خود را به آرایه‌های ادبی آراسته‌اند.

تعزیه میرعلمدار از جمله تعزیه‌نامه‌هایی است که با آرایه‌هایی از قبیل استعاره، تشبیه، تلمیح، تضمین، بראعت استهلال و به ویژه کنایه آراسته شده است.

سیه شد جهان، الحذر، الحذر (ص ۳۱) در این دو بیت در کل واژگان قافیه وجود ندارد. قافیه تکراری «الحذر» خلأ موسیقی قافیه را پر کرده است.

● استعمال کنایه‌های متعدد

دل کباب: کنایه از آزرده خاطر
بنگر که حزین و دل کبابم
بی تاب ز بهر قطره آبم (ص ۲۶)
دست من و دامت: کنایه از کمک و یاری کردن
دست من و دامت، عمو جان
خون من و گردنت، عمو جان (ص ۲۵)

منابع

۱. احمدی بیرجندی، احمد؛ مدایح و مرثیاتی حضرت ابوالفضل در شعر فارسی، چ ۱، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
۲. بیضایی، بهرام؛ نمایش در ایران، ج ۱، چ دوم، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۹.
۳. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، مجلس و دانشگاه، ۱۳۲۵.
۴. زجاجی کاشانی، مجید؛ شرح زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام سقای کربلا، سبحان، ۱۳۸۶.
۵. شهیدی، عنایت‌الله؛ پژوهش در تعزیه و تعزیه‌خوانی، چاپ اول، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
۶. فروغی، محمد علی؛ کلیات سعدی، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲.
۷. فلاح زاده، مجید؛ تاریخ اجتماعی - سیاسی تئاتر در ایران، چ ۱۸، نشر پژواک کیوان، ۱۳۸۴.
۸. گلی زواره، غلامرضا؛ در قلمرو تعزیه، مجله دیدار آشنا، شماره ۶۶، بهمن و اسفند ۱۳۸۴.
۹. مهندس پور، فرهاد؛ تعزیه به مثابه معرفت دینی، کتاب ماه هنر، بهمن و اسفند ۱۳۸۴، شماره ۸۹ و ۹۰.
۱۰. همایونی، صادق؛ تعزیه در ایران، چاپ دوم، نشر نوید، ۱۳۶۸.
۱۱. هنری، مرتضی؛ تعزیه در خور، نشر اطلاعات، ۱۳۸۲.
۱۲. روزنامه همشهری، شنبه ۱۱ اردیبهشت، شماره ۱۵۳۶.